نوروزبانانِ بی‌نوروز

شرق: روز گذشته مانور طرح خدمات نوروزی ۱۴۰۲ هلال احمر در حرم امام خمینی برگزار شد. در این برنامه شاهین فتحی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان تهران، از امدادگران، نجاتگران و اعضای سازمان جوانان برای تأمین امنیت در طرح نوروزی تشکر کرد و هدف از برگزاری این مانور را ارائه توانمندی‌های جمعیت هلال احمر در ایام نوروز دانست. فتحی گفت: «نجاتگران تیم‌های تازه تشکیل‌شده واکنش سریع در راستای توسعه تیم‌های قبلی برای خدمت به مردم در این مانور شرکت می‌کنند. جوانان ما در قالب تیم‌های سحر و سحاب هم در این مانور حاضرند، اعضای داوطلبان نیز در قالب سلامت‌یار و دیگر طرح‌های خدمات‌رسانی در نوروز حضور و فعالیت دارند؛ نجاتگران و امدادگران جمعیت هلال احمر، نوروزبانان بی‌نوروز هستند». فتحی گفت که امدادگران آسایش خودشان را فدای آسایش مردم می‌کنند: «در ایامی که لباس هلال احمر را به تن داریم، آسایش خودمان را فدای آسایش مردم کردیم. وقتی حضور پررنگ امدادگران را در سطح کشور می‌بینیم به خودمان می‌بالیم که در این لباس هستیم. اگر بتوانیم اشکی را از چشم کودکی کم کنیم و پدر آسیب‌دیده‌ای را به آغوش خانواده بازگردانیم، موجب افتخار است». پیرحسین کولیوند رئیس جمعیت هلال احمر هم در جریان برگزاری طرح ملی خدمات نوروزی ۱۴۰۲ در حرم مطهر امام خمینی (ره) توضیحاتی در مورد وضعیت طرح‌های نوروزی این نهاد ارائه کرد: «در این روزهای پایانی سال و در پایان صدمین سالگرد جمعیت هلال احمر با شور و نشاط انقلابی و روحیه جهادی آماده خدمت‌رسانی بزرگ در نوروز ۱۴۰۲ هستیم. ۶۹ هزار جوان و داوطلب هلال احمر، عملیات بزرگ نوروزی را از سه‌شنبه ۲۴ اسفند شروع می‌کنند. در این عملیات علاوه بر خدمات امداد و نجات، خدمات فرهنگی و اجتماعی نیز در ورودی‌ها و خروجی‌های شهرها ارائه می‌شود». او افزود: «دو میلیون داوطلب پشتوانه ۶۹ هزار نیروی امدادگر در نوروز هستند و هزارو ۶۰۰ پایگاه به همراه بالگردهای هلال احمر در طرح ملی خدمات نوروزی حضور دارند و آمادگی کامل برای مواجهه با حوادث غیرمترقبه را داریم».

رئیس جمعیت هلال احمر گفت: «در عملیات نوروزی، محیط‌های آموزشی نیز برای آموزش همگانی مردم ایجاد می‌شود. علاوه بر این، پشتوانه نیروی انسانی در ایام نوروز بیش از دو میلیون نفر خواهد بود و در صورت لزوم از این تعداد نیرو هم استفاده خواهد شد». او ادامه داد: «امسال علاوه بر فعالیت پایگاه‌های ثابت امداد و نجات، پایگاه‌های سیار را هم برای خدمات‌رسانی در نوروز ایجاد کرده‌ایم. حداقل هزارو ۶۰۰ پایگاه ثابت و سیار در نوروز خدمات‌رسانی می‌کنند و همه آمبولانس‌ها، خودروهای امداد و نجات، موتورسیکلت‌ها و حتی دوچرخه‌سواران در قالب طرح‌های مختلف امدادی و آموزشی مشغول خدمت‌رسانی خواهند شد». او با بیان اینکه انتظار داریم در سال آینده تعداد داوطلبان را به پنج میلیون نفر برسانیم، بیان کرد: «۳۰۰ آمبولانس گرفتیم و مجوز دو هزار خودرو نیز گرفته شده است، همچنین بالگردهای این جمعیت بازسازی خواهد شد». کولیوند در ادامه از حضور تیم‌های سحر در عملیات نوروز خبر داد و خاطرنشان کرد: «بالگردهای هلال احمر هم در ایام نوروز برای ارائه خدمات امدادی به مردم فعال هستند». او با تأکید بر اینکه در هلال احمر تمام تلاشمان را می‌کنیم تا کمترین حادثه‌ها و کمترین جان‌باخته‌ها را داشته باشیم و مردم عزیز آسایش خوبی را در ایام نوروز داشته باشند، افزود: «جمعیت هلال احمر همیشه آسایش خود را فدای آرامش ملت می‌کند تا مردم بتوانند سفرهای خود را انجام دهند و از تعطیلات استفاده کنند».

رئیس جمعیت هلال احمر تأکید کرد که با تمام توان و با حفظ کرامت تمام مراجعه‌کنندگان به جمعیت، خدمت‌رسانی با کیفیت و با سرعت ارائه خواهند شد: «برای عملیات نوروز علاوه بر خدمات امدادی، در پیشگیری هم پیش‌قدم هستیم، ماه رمضان را در پیش داریم و باید از این فرصت برای کمک به مستمندان و نیازمندان استفاده کنیم. عید فطر، روز قدس، هلال رحمت، طرح نیابت و... را فقط در فروردین داریم و شاهد فشردگی خدمات هستیم».

«ایران» او را صدا می‌زد

رضا یوسفیان؛ سمبل نسلی که هنگام ثمردادنش خزان شد

وحید عابدینی
تحلیلگر سیاسی

دکتر رضا یوسفیان، نماینده دانشجویان در مجلس ششم درگذشت و چه زود بود برای پرکشیدنش. همان‌طور که وقتی در ۳۲سالگی نماینده مجلس شد، به چشم بسیاری از سیاست‌مداران ایران جوان بود و همان‌طور وقتی که در ۱۵سالگی عازم جبهه شد، برای جنگیدن کم‌سن‌وسال بود. خبر ناگوار مرگ زودهنگام او که متولد سال ۱۳۴۶ بود، یادآور خزانی است که آزادی‌خواهان و وطن‌دوستان هم‌نسل او در سایه جریان‌های تاریخی تعیین‌کننده‌ای تجربه کردند. شاید تعبیر «نسل سوخته» که در ایران برای نسل‌های مختلفی استفاده می‌شود بیش از همه باید برای همین نسل استفاده شود که یوسفیان آینه تمام‌نمای آن بود.

در ادبیات مرتبط با مطالعات نسلی، این نسل، یعنی متولدین دهه‌های ۴۰ و ۵۰، با عنوان نسل ایکس شناخته می‌شوند. آنها بین دو نسل مهم و تأثیرگذار گرفتارند: بومرها (متولدین دهه‌های ۲۰ و ۳۰) و هزاره (متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰).

نسل بومرها (Baby boomers)، ماحصل انفجار جمعیت پس از جنگ جهانی دوم بودند. رشد اقتصادی و اصلاحات قابل توجه در آموزش نسلی را شکل داد که تحولات بزرگ سیاسی، از جمله جنبش دانشجویی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و جنبش ضد جنگ ویتنام را رقم زدند. به این جهت تا همین امروز نیز سیاست‌مداران بسیاری از کشورهای دنیا از این نسل هستند. در ایران نیز این نسل، یعنی متولدین دهه‌های ۲۰ و ۳۰ که به واسطه افزایش قیمت نفت، از مزایای توسعه آموزشی و فرهنگی دهه ۴۰ برخوردار شدند، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری انقلاب ۱۳۵۷ ایفا کردند. آن نسل انقلابیون همچنان بر قدرت سیاسی در ایران تکیه زده‌اند و حسن غفوری‌فرد که هم‌زمان با رضا یوسفیان درگذشت، نمادی از این نسل بود. تسلط سیاسی نسل بومرها در بسیاری از کشورهای دنیا و از جمله ایران سایه سنگین و صلبی از قدرت ایجاد کرد که اجازه بروز و فعالیت نسل پس از خود، یعنی نسل ایکس را به‌شدت محدود کرد. این محدودیت را می‌توان در میزان متفاوت نسبت میان عاملیت و قدرت تغییر بین دو نسلی دید که یکی را همواره در صدر سیاست و سیاست‌گذاری می‌نشاند و دیگری را در تقلای مداوم برای تغییر.

برخلاف آن نسل که انقلاب کرد و از مواهب آن نیز بهره‌مند شد، نسل ایکس بیشتر قربانی بود. زمانی که انقلاب رخ داد، رضا یوسفیان تنها ۱۱ سال داشت. وقوع این تحول شگرف سیاسی و اجتماعی در دوران کودکی و نوجوانی این نسل منجر به این شد که نه‌تنها آنها نتوانند از مزایای این انقلاب بهره‌مند شوند بلکه هضم این تحولات نیز برای بسیاری از آنها دشوار باشد.

با وجود این مهم‌ترین اتفاق برای این نسل، نه انقلاب، که جنگ بود. زمانی که این نسل، پا به عرصه حیات اجتماعی می‌گذاشت، یعنی ابتدای دهه ۶۰، جنگ ایران و عراق آغاز شد و آنها داوطلبانه (یا اگر به سن سربازی می‌رسیدند به اجبار) راهی جنگ می‌شدند. رضا یوسفیان تنها ۱۵ سال داشت که به همراه بچه‌محل‌های خود با تلاش زیاد خود را به جبهه رساند. پدرش برای بازگرداندن او به جبهه رفت و ناکام بازگشت. او در یک نامه کوتاه به پدرش نوشته بود: «به‌خاطر اسلام به جبهه می‌روم». او بعدا در مصاحبه‌ای در مورد اینکه چرا به جای مدرسه به جبهه رفت، می‌گوید: «ما احساس کردیم وطن ما را صدا می‌زند و نمی‌شد بی‌تفاوت باشیم». اما او یک ماه پس از حضور در جبهه در عملیات محرم اسیر شد و هشت سال مهم از زندگی خود یعنی دوره جوانی‌اش را در زندانی‌های رژیم بعث گذراند. بسیاری از هم‌نسلان او در ایران نیز با فضای بسته دهه ۶۰ مواجه بودند و نمی‌توانستند آن‌طورکه می‌خواهند «جوانی» کنند. فشار اقتصادی جنگ و فضای بسته فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن سال‌ها، بدترین دوره برای جوانی را طی چند دهه اخیر رقم می‌زد.

اما پایان جنگ، شروع زندگی دوباره برای بسیاری از نسل سوخته ایکس بود. رضا یوسفیان نیز در ۲۳سالگی همراه با دیگر اسرای ایرانی در عراق به کشور بازگشت. او در زمان اسارت، با زبان‌های عربی و انگلیسی آشنا شده بود و اینک با گسترش آموزش عالی در دهه ۷۰، فضایی برای تحصیل مهیا شده بود. او دیپلم گرفت و به دانشگاه رفت تا پزشک شود. در دوران اسارت، یک پزشک ایرانی زخم‌های او را مداوا کرده و جان او را نجات داده بود. یوسفیان هم می‌خواست پزشک شود و به مردم خدمت کند. دانشجویی او هم‌زمان بود با اوج دوره سازندگی. توسعه اقتصادی و گسترش آموزش عالی در دهه ۷۰ که یک نتیجه به دنبال داشت: ضرورت توسعه سیاسی. در این زمان رضا یوسفیان، می‌توانست از مزایای ایثارگری خود بهره‌مند شود و کنج عافیت گزیند اما او باز هم مانند آغاز جنگ، صدای وطن را می‌شنید که او را فرامی‌خواند تا سرباز توسعه سیاسی شود. او وارد انجمن اسلامی دانشگاه شیراز و علوم پزشکی شد و نقش کلیدی در فعالیت‌های آن بازی کرد. یوسفیان و هم‌نسلانش، انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت را به نهادهایی دانشجویی برای اعتراض به رویکردهای دولت تبدیل کردند. این تلاش آنها یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی سیدمحمد خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و ظهور جنبش اصلاح‌طلبی بود.

وقتی در ۱۵ اسفند ۱۳۷۵ اولین سفر استانی سیدمحمد خاتمی به دعوت دانشگاهیان شیراز انجام شد و یوسفیان و دیگر فعالان دانشجویی شیراز میزبان خاتمی بودند، همه برای اولین‌بار حس کردند خبری در راه است، چراکه بیش از پنج هزار نفر از دانشجویان در تالار فجر دانشگاه شیراز جمع شده بودند تا از زبان خاتمی بشنوند: «دولت باید تحمل و بردباری در قبال عقاید مختلف در جامعه را نهادینه کند تا به این طریق بتوان شاهد مشارکت عمومی در همه زمینه‌ها بود». پیروزی خاتمی با شعار توسعه سیاسی این امید را ایجاد کرد که یوسفیان و هم‌نسلانش بتوانند نقش کلیدی را در عبور کشور از تنگناها به دموکراسی و آزادی بازی کنند. یوسفیان پیشگام این مسیر بود. ابراهیم صبوری، از فعالان دانشجویی آن زمان دانشگاه شیراز می‌گوید: «مجمع عمومی سال ۷۶ در سالن امیرکبیر دانشکده مهندسی بود و یوسفیان در مقام کاندیدای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه شیراز و علوم پزشکی، برای اعضای انجمن سخنرانی می‌کرد؛ هنوز صدایش در گوشم زنگ می‌خورَد که می‌گفت: هر کس به آزادی اعتقاد ندارد به من رأی ندهد؛ هرکس به دموکراسی و مردم‌سالاری اعتقاد ندارد به من رأی ندهد؛ هرکس به ایران عشق نمی‌ورزد به من رأی ندهد».

همین رویکرد یوسفیان منجر شد که در انتخابات مجلس ششم در اسفند ۱۳۷۷، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی او را به عنوان نماینده اختصاصی دفتر تحکیم وحدت به مردم شریف شیراز معرفی کند و او در یک انتخابات رقابتی به عنوان نماینده شیراز به مجلس راه یافت و به عنوان عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نقش مهمی در بهبود روابط خارجی و حمایت از سیاست خارجی تنش‌زدا به‌خصوص پس از حمله آمریکا به افغانستان و عراق بازی کرد. او که سختی جنگ را با پوست و گوشت و استخوان خود تجربه کرده بود، برای صلح می‌جنگید، چراکه معتقد بود: «جنگ اتفاق خوبی نیست و همیشه آرزوی صلح، آرامش، رفاه و آزادی برای مردم داریم. اگر هم آن ایام برای جنگ رفتیم ضرورت حکم می‌کرد که در برابر تهاجم بایستیم. باید تا می‌شود از جنگ با روش‌های دیپلماتیک دوری کرد؛ چراکه خسران و زیان جنگ بسیار زیاد است».

او در مجلس ششم همچون سربازی شجاع برای بسط آزادی‌های عمومی تلاش کرد. تلاش‌های او و دیگر نمایندگان دانشجویی مجلس برای آزادی دانشجویان زندانی، ازجمله تحصن آنها در تیرماه ۱۳۸۲، پس از بازداشت گسترده دانشجویان، از اتفاقات مهم تاریخ پارلمان در ایران است. همچنین او در کنار علی تاجرنیا، دیگر نماینده دانشجویان در مجلس، به عنوان دبیر و رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی در مقابل فشارهای بیرونی برای رد صلاحیت گروه‌های سیاسی ایستادگی کردند. درحالی‌که نمایندگان مسن‌تر مجلس، به توان این جوانان برای مدیریت این انتخابات بی‌اعتماد بودند، با ایستادگی آنها، یکی از دموکراتیک انتخابات‌های پس از انقلاب در انتخابات شورای دوم در اسفند ۱۳۸۱ شکل گرفت.

آن انتخابات می‌توانست شروع مهمی برای نسل ایکس در ایران باشد، اما از قضا چراغ بخت آن نسل از همین انتخابات رو به خاموشی رفت. تلاش‌های یوسفیان و هم‌نسلانش برای توسعه سیاسی و افزایش مشارکت سیاسی مردم با درهای بسته و مقاومت نسل پیشین مواجه شد و پس از پیروزی یاران احمدی‌نژاد در انتخابات شورای دوم و رد صلاحیت گسترده در انتخابات مجلس هفتم و در نهایت پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم، امیدهای این نسل برای تغییر رنگ باخت و خزان نسل ایکس شروع شد.

هم‌نسلان یوسفیان زیر سایه نسل انقلاب ماندند و با خزان زودهنگام مواجه شدند. آنها یا از کشور مهاجرت کردند یا سیاست را کنار گذاشتند و به زندگی روزمره مشغول شدند. معدود افرادی مثل رضا یوسفیان، تلاش کردند به‌خصوص پس از وقایع سال ۸۸ سیاست‌ورزی را زنده نگه دارند. او که زمانی به عنوان عضو شورای مرکزی حزب مشارکت به توسعه فعالیت حزبی مشغول بود، پس از انتخاب روحانی و شکل‌گیری حزب اتحاد ملت نیز به عنوان عضو دفتر سیاسی این حزب به تلاش‌های خود در این زمینه ادامه داد. بیماری سرطان نیز مانع از این فعالیت او برای دموکراسی نشد. نه فشارها او را از فعالیت حزبی بازداشت و نه رد صلاحیتش او را از صندوق رأی ناامید کرد، چراکه معتقد بود «صندوق رأی، تابوت شورش‌هاست». او در سال ۱۳۹۴ در حمایت از ائتلاف اصلاح‌طلبان و نیروهای اعتدال‌گرا و مشارکت در انتخابات مجلس گفت: «هر وقت رأی ندادیم دچار فاجعه شدیم». با این حال این به معنای تن‌دادن به هر وضعیتی نبود. او هیچ فرصتی را برای اعتراض به حذف سلایق مخالف از انتخابات از دست نمی‌داد. او یک روز پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ نامه‌ای سرگشاده را امضا کرد که خواهان لغو نظارت استصوابی و جلوگیری از دخالت نامحدود در انتخابات شده بود.

رضا یوسفیان، نماد مهمی از نسل ایکس ایران بود. نسلی که عمری را دوید و نرسید. رضا یوسفیان با وجود بیماری سرطان تا روزهای آخر در شبکه‌های اجتماعی برای یک «ایران» بهتر فعال بود. کاربران عرب و انگلیسی‌زبان کلاب‌هاوس جای خالی رضا یوسفیان را حس خواهند کرد. کاربری که مثل یک سرباز از ایران دفاع می‌کرد. او به بیماری خود اشاره نمی‌کرد ولی از دشواری‌های بیماران ایرانی برای دسترسی به داروها، تحت تأثیر تحریم‌ها سخن می‌گفت.

در سال‌های گذشته از دهه شصتی‌ها زیاد گفته شده و در ماه‌های گذشته از شجاعت دهه هشتادی‌ها. با این حال، رضا یوسفیان به‌تنهایی پرچم نسل ایکس یا دهه چهلی‌ها را بالا می‌برد. نسلی که ایستاد و شجاعانه کوشش کرد ولی در سایه نسل‌های پیش و پس از آن به چشم نیامد. نسلی که هنگام ثمردادنش خزان شد.

ادامه از صفحه اول

ترکیه فقیر، حاصل کارنامه اردوغان

زمین‌شناسان، مهندسان و معماران در سال‌های متمادی زنگ خطر زمین‌لرزه مرتبط با موقعیت جغرافیایی ترکیه واقع بر گسل آناتولی شمالی را به صدا درآوردند و خطرات ناشی از آن بسیار جدی و واقعی در نظر گرفته شده است. آکادمی علوم ترکیه در ماه دسامبر نگرانی خاصی در مورد گسل‌های لرزه‌ای فعال در جنوب شرقی آناتولی نشان داد و کمتر از سه روز قبل از فاجعه ششم فوریه، یک استاد زمین‌شناسی در این مؤسسه به مردم و دولت نسبت به زلزله قریب‌الوقوع هشدار داد.

با وجود اینکه پیش‌بینی در علم زمین شناسی مانند پیش‌بینی گردباد یا توفان در علم هواشناسی نمی‌تواند دقیق باشد اما بدیهی است که در صورت برنامه‌ریزی اصولی براساس داده‌های علمی درخصوص بلایای طبیعی، آسیب‌های جانی و مالی کمتری به مردم ترکیه وارد می‌شد. این موضوع تنها به رعایت استانداردهای ساخت‌وساز مربوط نمی‌شود بلکه آموزش مردم برای واکنش سریع و متناسب در صورت وقوع زلزله نیز بسیار حائز اهمیت است.

در طول ۲۰ سال حاکمیت حزب عدالت و توسعه، بسیاری از اصول اساسی رعایت نشد و تحقیر سیستماتیک دانشمندان مانع پیروی از سیاست مبتنی بر پیش‌بینی بلایای طبیعی شد. اولین اظهارات اردوغان بعد از ششم فوریه، مبنی بر اینکه «پیش‌بینی چنین فاجعه‌ای غیرممکن است» یک دروغ عوام‌فریبانه است. جامعه علمی از طریق هشدارهای متعدد مأموریت خود را انجام داد و به تعهدات خود احترام گذاشت ولی دولت ترکیه با نادیده‌گرفتن این هشدارها خود را غیرمسئول نشان داده است. اردوغان که در تفکرات جادویی بیش از سیاست منطبق با واقعیت مهارت دارد، همان دستورالعمل را در سیاست اقتصادی خود نیز به کار گرفته است، تا جایی که تبعات منفی آن برای مردم ترکیه محسوس است. رئیس‌جمهور ترکیه با نگهداری سرسختانه نرخ‌های پایین بهره، هم به دلیل اعتقادات مذهبی و هم برای تشویق مستمر بخش ساخت‌وساز و اعتبار مصرف‌کنندگان و همچنین با نادیده‌گرفتن نظرات اقتصاددانان برجسته، تا حد زیادی با تصمیمات خود در تداوم کاهش ارزش پول ملی و افزایش تورم نقش داشته است.

این وضعیت از سال ۲۰۱۸ ادامه دارد و با بدترشدن آن استانداردهای زندگی درترکیه افت شدیدی را تجربه کرده است. نمونه‌هایی از قبیل بی‌اعتمادی به دانش و اطلاعات و بی‌اعتباردانستن آن، انگ «توطئه‌های خارجی»، تحقیر عقل‌گرایی و واقعیت به نفع آرمان‌های ناکارآمد توأم با خیال‌پردازی (مانند نئوعثمانی و پان‌ترکیسم محبوب ملی‌گرایان ترک)، ساخت‌وساز جنون‌آمیز به افتخار حاکم و ناتوانی در تعریف سیاست‌های عمومی کارآمد، همگی ویژگی‌هایی هستند که توسط فیلسوفان سیاسی از قبیل هانا آرنت به‌طور گسترده مستند شده‌اند. این عوامل نشانگر رژیم استبدادی است. مطمئنا ترکیه کشوری با سابقه سیاسی طولانی و پر از هرج‌ومرج بوده است اما جمهوری ترکیه در طول یک قرن اصول دموکراسی و سیستم چندحزبی را نیز پایه‌گذاری کرد.

دولت عدالت و توسعه در ۲۰ سال گذشته نیروهای پویای کشور را عقیم کرد و سبب فقر کشوری شد که می‌توانست از نظر اقتصادی و سرمایه فکری الگوی دموکراسی ایدئال را در جهان اسلام تجسم ببخشد. در زمان رنج وصف‌ناپذیر و مواجهه با چالش‌های متعدد، غیبت بهترین اندوخته‌ها در ترکیه محسوس است و این احتمالا جدی‌ترین شکست برای نسبت‌دادن به اردوغان است. در صدمین سال تأسیس جمهوری، مردم ترکیه فرصت قضاوت درباره عملکرد او را دارند. فاجعه اخیر و برقراری وضعیت اضطراری می‌تواند به رئیس‌جمهور ترکیه این فرصت را بدهد تا ضرب‌الاجلی برای باقی‌ماندن در رأس هرم قدرت تعیین کند؛ بااین‌حال او قادر نخواهد بود این کار را به‌صورت نامحدود انجام دهد. زمان آن فرارسیده که ترکیه مجددا به یک کشور دموکراتیک تبدیل شود؛ زیرا جوامع باز و کثرت‌گرا در مواجهه با بلایا از رژیم‌های خودکامه مقاوم‌تر هستند.

جدول ۴۴۵۸ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- بلندترین استخوان بدن- بالش- رئیس پاسبانان شهر را می‌گفتند ۲- پنیر کبابی لبنان- آب‌دادن به کشتزار- یکدندگی ۳- توان سوم یک عدد- روشنایی‌ها- زبان مردم افغانستان ۴- حرف فاصله- معادل فارسی آباژور- خداوندی ۵- وسیله توزین- ماشین خاک‌برداری- بالاپوش بلند مردان قدیم ۶- خالص- شهرستانی در آذربایجان شرقی- معادل فارسی الاستیک ۷- دوستان- پرت‌شدن از بالا به پایین ۸- محل تهیه و فروش لباس- قلاب‌سنگ- نام اروپایی ساز چنگ ۹- لقب سعدی شیرازی- تندرستی ۱۰- گوشت سرخ‌کرده که تخم‌مرغ روی آن بشکنند- سازگاری- نیرو ۱۱- پدربزرگ- لباس ملی پاکستان- ادب‌آموختن ۱۲- از طایفه‌های بلوچ ایران- مختصر و کوتاه- رنج بی‌پایان ۱۳- نامشخص- خیمه- ماهی‌فروش ۱۴- از خواهران برونته- کامپیوتر- طبقه همکف برخی ساختمان‌ها ۱۵- پیروز و موفق- سبز تیره- آبشار دوقلوی مینودشت استان گلستان

عمودی:

۱- دلسوزی و مهربانی- نوعی انبردست با فک‌های برنده هلالی- آغوز ۲- جزیره‌ای با زندان معروف در آمریکا- مساحت فضای قابل استفاده هر واحد مسکونی ۳- گونه- سالک- زنی که به جای مادر به کودک شیر دهد ۴- پایه و اساس- درس نگارشی- مالیات مرزی ۵- پیشوند فعل مضارع- صفت باد- ابزار اضافه قابل تعویض- یک و یک ۶- الهه عشق در اساطیر یونان- ارزشمند- گرسنه نیست ۷- فیلسوف آلمانی قرن هجدهم- جنس- قدرت و توان ۸- ریاضی‌دان مسلمان که نخستین‌بار اعداد منفی را در ریاضی به کار برده است ۹- اسب بارکش- سرپیچی از دستور- هراس‌انگیز ۱۰- چوبه اعدام- مغازه- چاردیواری مسقف ۱۱- مخفف اگر- نخست‌زاده- رشته‌ای که عرب‌ها به دور سر می‌بندند- عدد هندسی ۱۲- از ارزهای دیجیتال- مجموعه‌شعری سروده فاضل نظری- جریان مستقیم برق ۱۳- مربوط به شهر- از راست به چپ- ملت‌ها ۱۴- قل‌خوردن- از فیلم‌های مطرح سینمای وسترن به کارگردانی هاوارد هاکس ۱۵- بدگویی در شعر- تطبیق‌داده‌شده- سخن کوتاه و پرمعنا

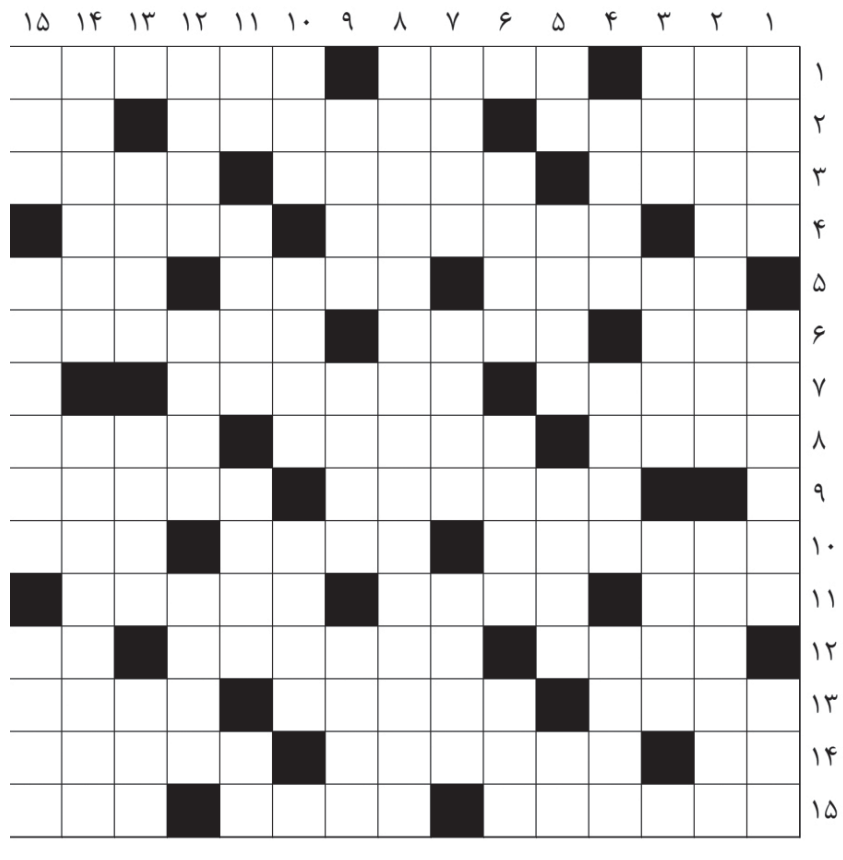

حل سودوکو سخت

۵	۲	۱	۶	۴	۹	۸	۷	۳
۸	۷	۴	۲	۵	۳	۱	۹	۶
۳	۶	۹	۸	۱	۷	۲	۵	۴
۱	۹	۵	۴	۸	۶	۳	۲	۷
۴	۳	۷	۹	۲	۱	۵	۶	۸
۶	۸	۲	۳	۷	۵	۴	۱	۹
۲	۴	۶	۵	۹	۸	۷	۳	۱
۷	۵	۳	۱	۶	۴	۹	۸	۲
۹	۱	۸	۷	۳	۲	۶	۴	۵

حل سودوکو ۳۴۵۳

۳	۸	۲	۴	۱	۹	۶	۷	۵
۱	۵	۴	۷	۲	۶	۳	۸	۹
۹	۷	۶	۸	۳	۵	۲	۴	۱
۷	۲	۱	۳	۶	۴	۹	۵	۸
۶	۴	۳	۹	۵	۸	۱	۲	۷
۵	۹	۸	۱	۷	۲	۴	۶	۳
۴	۳	۵	۶	۹	۷	۸	۱	۲
۲	۶	۹	۵	۸	۱	۷	۳	۴
۸	۱	۷	۲	۴	۳	۵	۹	۶

حل جدول ۴۴۵۷

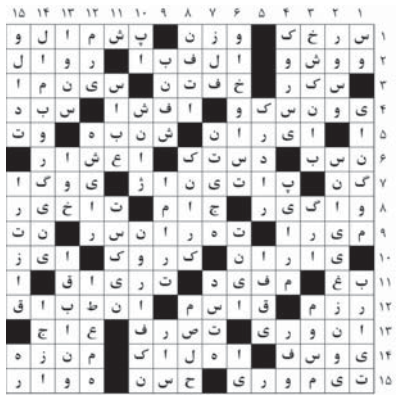

سودوکو سخت ۳۴۵۴

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۶	۲			۳	۴		
				۹				
۱	۹							
۷					۹	۳	۸	
۶	۳			۱			۴	۹
	۲	۹	۴					۵
							۷	۴
				۲				
		۷	۶			۵	۲	

سودوکو ساده ۳۴۵۴

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۱		۳					۵
		۵			۶		۲	
۶		۹			۱	۸		۴
۳				۷		۲	۱	
۲								۳
	۹	۱		۴				۷
۱		۸	۴			۵		۲
	۲		۹			۷		
۹					۲		۴	